

اشاره:

رسیدن به رمز یک نگاه، جان یک واقعه، خاطره‌ی یک قصه و تقسیم آن در چشم و حافظه مردم؛ همه‌ی آن چیزی است که به سادگی، نقاشی قهوه‌خانه به آن نایل شده است. نقاشان «خیال‌ساز» ایمان را نقاشی نمی‌کردند، بلکه با ایمان نقاشی می‌کردند. مردانی که آیین جوانمردی را از پیوند خاطره‌ی مولا علی (ع) و رستم و پوریای ولی به نقش می‌نشانند. «نقاشی قهوه‌خانه» را می‌توان اولین تلاش برای بردن هنر به میان مردم به شمار آورد که قبل از این درباری محسوب می‌شد.



تجسمی



نقاشی قهوه‌خانه در گذر تاریخ

معجون هنر و تاریخ بایک استکان چای داغ

مهدی کریمی باف



نقاشی قهوه‌خانه نوعی نقاشی روایی رنگ روغنی با مضمون‌های رزمی، مذهبی و بزومی است که در دوران جنبش مشروطیت، بر اساس سنت‌های هنر مردمی و دینی و با اثرپذیری از نقاشی طبیعت‌گرایانه مرسوم آن زمان، به دست هنرمندانی مکتب‌نویس پدیدار شد.

چون قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از عمده‌ترین مراکز نمایش این نوع نقاشی بوده، اصطلاح «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» بر زبان‌ها جاری شد. هر چند خود نقاشان، نام «خیال‌ساز» را بر «نقاشی قهوه‌خانه» ترجیح می‌دادند، ولی این نام بر پیشانی این هنرمندان جا گرفت.

این نقاشان با گروه‌هایشان از این قهوه‌خانه به آن قهوه‌خانه و حسینیه کوچ می‌کردند و چون از سوی هنرکده‌های رسمی و دولتی و برخی از هنرمندان فرنگ رفته که مخالف هرگونه هنر عامیانه و ذهنی بودند، به رسمیت شناخته نشدند، نامشان تضعیف شد.

ویژگی‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای

مهم‌ترین ویژگی نقاشی قهوه‌خانه، مردمی بودن آن است. نقاش قهوه‌خانه، با ساده‌گویی و خلاصه‌سازی تصاویر از طریق الفت با ریشه‌های سنت و عرفان اسلامی، پیوستگی دارد. وی در رؤیت جهان هستی برای بازنمایی طبیعت، به طبیعت‌گرایی دل نمی‌بندد، بلکه جوهره آن را ترسیم می‌کند.

او برای پیوند عمیق‌تر با مردم، به علایق و وابستگی آنها توجه نموده و مضامین درخور توجه را بر پرده نقاشی انتقال می‌دهد و در این خصوص به گزینش دو موضوع مهم «مذهبی» و «حماسی» می‌پردازد که پرده‌های مذهبی نیز اغلب با الهام از حادثه عاشورا پدید می‌آید و در آن شرح وقایع کربلا روایت می‌گردد و معمولاً در بطن آن به اشاعه مذهب تشیع پرداخته می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای، برداشت مستقل هنرمند از ادبیات و در عین حال پیوند عمیق با آن است. نقاش خیال‌ساز، تنها به گزینش تصاویری می‌پردازد که با موضوع و نیاز مخاطب مرتبط باشد و حتی گاه به جهت خواست درونی بیننده، مسیر داستان ادبی را کمی تغییر می‌دهد.

در واقع، این عمل برای نخستین بار است که هنرمند، اثرش را در حد درک مردم شکل می‌دهد. البته این بدان معنا نیست

که تمام سلاقی مخاطب به تصویر درآید، بلکه اثر نهایی، معمولاً تلفیقی از ذهنیت هنرمند، توجه به آثار نگارگران سده‌های قبل و ارزش‌های ادبی و توجه به نیاز مخاطب بوده است.

مرحوم حسین قوللر آقاسی (بینانگذار نقاشی قهوه‌خانه‌ای) می‌گفت: «ما حکایات شاهنامه را دستچین کردیم و آنچه نقلان گفتند و مردم خواستند را به نقش کشیدیم. مردم از ما تجسم زور و بازوی پهلوانان شاهنامه و شکست دشمنان را طلب کردند، ما هم اطاعت

چون قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از عمده‌ترین مراکز نمایش این نوع نقاشی بوده، اصطلاح «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» بر زبان‌ها جاری شد. هر چند خود نقاشان، نام «خیال‌ساز» را بر «نقاشی قهوه‌خانه» ترجیح می‌دادند، ولی این نام بر پیشانی این هنرمندان جا گرفت.

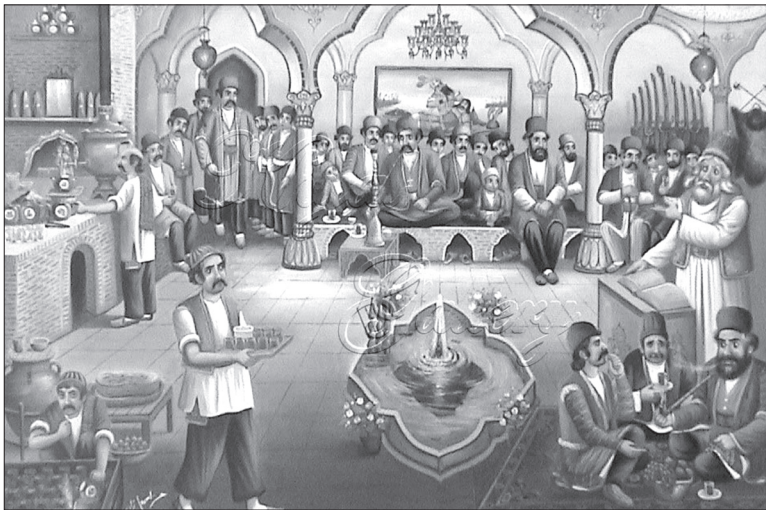
کردیم. به رستم علاقه داشتند؛ چون پهلوان دیار خودشان و دست بسته مولای متقیان بود... حتی گاه از من خواستند دشنه رستم را بر پهلوی سهراب فرو نکنم؛ زیرا از مرگ سهراب بیزار بودند.»
ویژگی دیگر این آثار، بهره‌گیری از دو عامل نوشتار و تصویر در کنار یکدیگر است که البته وجود نوشتار در جهت

اندیشه واداشتن مخاطب نیست، بلکه نقاش با کمک نوشتار (اسامی اشخاص، مکان‌ها و زمان‌ها) درصداست به تصاویر سندیت بخشد؛ همانند نامگذاری‌های گودال قتلگاه، مجلس یزید، خرابه شام و یا خروج مختار یا انتقام مختار. ضمن آن‌که در این آثار نقل و راوی نیز دوباره این پرده تصویری را با تمام نشانه‌هایش چه تصویری و چه نوشتاری در قالب روایت می‌ریزد و دوباره خوانی می‌کند.

بهره‌گیری از رنگ‌های نمادین مانند: قرمز، سبز، زرد، قهوه‌ای، آبی و رنگ‌های خشتی مثل: سیاه و سفید که برای عموم مردم معانی خاصی دارند، حکایت از تلفیق ذهنیت‌گرایی و واقع‌گرایی نقاشان این مکتب دارد. امری که پیوسته در کتب مصور سده‌های گذشته مشهود بود و با ورود و گسترش نقاشان از فرنگ برگشته و اقبال آنان به واقع‌گرایی صرف، به فراموشی سپرده می‌شد.

به قول استاد محمد مدبّر، رنگ برای نقاشی ما حکم نشانه را دارد، باید آن قدر حساب‌شده و خوانا آن را کنار بوم به کار ببریم که هر آدمی چه اهل سواد خواندن و نوشتن و چه بی‌سواد، بتواند تابلو را بخواند و به حرمت و بی‌حرمتی آدم‌ها پی ببرد.

از ویژگی‌های دیگر می‌توان به ترکیب‌بندی نقاشی‌ها اشاره کرد که بیشتر از نوع مقامی است.^۳ در این ترکیب بزرگی و کوچکی آدم‌ها بر اثر دوری و نزدیکی نیست، بلکه بر اثر مقام و منزلت و یا براساس اهمیت در داستان و واقعه می‌باشد و شخصیت‌های مهم، بزرگتر و در نقاط اصلی کادر ترسیم می‌شوند. لذا مشاهده





می‌کنیم که نقاشان خیال‌ساز، شخصیت اصلی یا شمایل معصومین و امامان را بزرگتر از دیگران طرح‌ریزی می‌کردند. روایت‌های عاشورایی از مهم‌ترین مثال‌ها برای این نوع ترکیب‌بندی است. ویژگی دیگر در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، تحقیر افراد با کوچک‌تر نشان دادن اندامشان است که تا قبل از این سبک، در سیر تحول نقاشی در ایران دیده نشده است، اما در نقاشی قهوه‌خانه‌ای برای اولین بار به این مسئله توجه شده است. از دیگر ویژگی‌ها، نادیده گرفته شدن

بهره‌گیری از رنگ‌های نمادین مانند: قرمز، سبز، زرد، قهوه‌ای، آبی و رنگ‌های خنثی مثل: سیاه و سفید که برای عموم مردم معانی خاصی دارند، حکایت از تلفیق ذهنیت‌گرایی و واقع‌گرایی نقاشان این مکتب دارد.

«بعد» یا «پرسپکتیو» در نقاشی قهوه‌خانه‌ای است و این امر از ویژگی‌های بارز نقاشی قهوه‌خانه است؛ درحالی که همزمان با این نقاش‌ها در دوره قاجار، در نقاشی‌های تأثیر پذیرفته از شیوه فرنگی رایج شده در ایران، پرسپکتیو رعایت شده است. اصول «پرسپکتیو» کم‌کم به کار گرفته می‌شود، سایه روشن و بازی نور بر سطوح به منظور تشدید جسمیت سه‌بعدی گاهی به چشم می‌خورد، «بر مرد»ها به اندازه‌های طبیعی خود برمی‌گردند و چهره‌های بی‌حالت و دست‌های گویا، جای خود را برعکس به چهره‌های با حالت می‌دهند. هر چند در ادامه، وفاداری به این اصول کم‌رنگ‌تر می‌شوند.

موضوعات نقاشی قهوه‌خانه‌ای

اصلی‌ترین موضوعات رایجی که نقاش لحظه اوج داستان را به عنوان موضوع نقاشی انتخاب می‌کرده است، درباره سه موضوع زیر بوده است:

۱) موضوع‌های مذهبی به ویژه وقایع عاشورا:

وقایع عاشورا * زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) (از کودکی تا شهادت) * جنگ حضرت سیدالشهدا (ع) و حضرت عباس (ع) با دشمنان * آمدن شمر به نزد

کشته شدن دیو سپید به دست رستم * جنگ رستم و دیو * کشته شدن ایرج به دست سلم و تور * شکارگاه بهرام گور * جنگ هفت لشکر * کشته شدن فیل سفید به دست رستم * بیرون آوردن بیژن از چاه به دست رستم * نبرد رستم و اشکبوس * کشته شدن افراسیاب به دست کیخسرو * بارگاه کیخسرو.

۳) موضوع‌های بزمی برگرفته از شاهنامه فردوسی:

مجلس بیژن و منیژه * آمدن تهمینه به نزد رستم * آمدن زال به نزد رودابه * مجلس کیخسرو * مجلس حضرت سلیمان و بلقیس * مجلس یوسف و زلیخا و زنان و دست خود بریدن به جای ترنج *

هرچند ارزیابی این پرده‌ها با معیارهای غربی ممکن است واژه‌هایی چون «پرسپکتیو» و «معصومانه» را به ذهن بیاورد، اما فراموش نکنیم که نقاشان قهوه‌خانه، بازماندگان واقعی نقاشی با سابقه و صاحب سنت ایران در عصری هستند که نقاشان با فرهنگ‌تر آن دنباله‌روی از استادان اروپایی قرون پیش را پیشه خود ساخته بودند. از این رو در تاریخ هنر ایران «نقاشی قهوه‌خانه» به عنوان یک رگه اصیل پیونددهنده هنر کهن ایران به امروز، صاحب جای مشخص و ارزش روزافزون و شایسته همه نوع مطالعه جدی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مثلاً: رنگ قرمز نماد شهادت، قدرت و گاه پلیدی است یا رنگ سبز، نماد خرمی و شادابی است، همچنین رنگ‌های تیره برای بیان تیره‌بخشان و سیاه‌رویان و رنگ سفید یا زرد، برای روشنایی و دانش.
۲. هادی سیف؛ نقاشی قهوه‌خانه؛ تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲.
۳. مهدی حسینی؛ مفهوم فضا در نقاشی‌های عامیانه مذهبی؛ فصلنامه هنر، زمستان ۱۳۸۱، ش ۵۴، ص ۱۴۰.

حضرت امیر (ع) * صحنه‌هایی از عاشورا * گودال قتلگاه * حضرت حسین (ع) بر سر نعش حضرت عباس (ع) * حضرت حسین (ع) بر سر نعش حضرت علی اکبر (ع) * فرستادن مسلم بن عقیل از سوی امام حسین (ع) به کوفه * مجلس یزید * حضرت عباس (ع) در کنار رود فرات (سقا) * خرابه‌های * خروج مختار یا انتقام مختار * صحنه‌هایی از زندگی حضرت امیر (ع) * صحنه‌هایی از زندگی حضرت رسول (ص) * جنگ‌های حضرت رسول (ع) و حضرت علی (ع) * زهر خوراندن مأمون به حضرت رضا (ع) * یا ضامن آهو * داستان جوانمرد قصاب * یوسف و حضرت یعقوب (ع) * در چاه انداختن حضرت یوسف (ع) توسط برادران * مجلس یوسف و زلیخا * رستم در دربار حضرت سلیمان (ع) * ذبح حضرت اسماعیل * بارگاه یوسف و زلیخا و حضرت یعقوب.

۲) موضوعات رزمی یا حماسی برگرفته از شاهنامه فردوسی:

کشته شدن سهراب به دست رستم * کشتی گرفتن رستم و سهراب * تولد رستم * تولد سهراب * گذشتن سیاوش از آتش * کشته شدن سیاوش * جنگ رستم و اسفندیار * هفت‌خان رستم *

نقاشان قهوه‌خانه، بازماندگان واقعی نقاشی با سابقه و صاحب سنت ایران در عصری هستند که نقاشان با فرهنگ‌تر آن، دنباله‌روی از استادان اروپایی قرون پیش را پیشه خود ساخته بودند.